

۱۵۷ ۴۵۱۱

تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان

آنتون میلز

ترجمه عاطفه عبدی خان و موسی نبیب‌اللهی

سرشناسه	:	وولس، آنتونی، ۱۹۲۷ - م.
عنوان و نام پدیدآور	:	تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک دستان / آنتون وولز، Wessels, Antonic; ترجمه عاطفه عبدی‌خان، مهدی حبیب‌اللهی؛ نظارت بر ترجمه سعید عدالت‌نژاد؛ ویراستار ادبی سپیده معتمدی.
مشخصات نشر	:	تهران: انتشارات حکمت و عرفان، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	:	۵۲۶ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۳-۳۲-۷
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	عنوان اصلی: The Torah, the Gospel, and the Qur'an : three books, two cities, one tale. ۲۰۱۳
یادداشت	:	کتابنامه
یادداشت	:	نمایه
موضوع	:	کتاب‌های مقدس — تاریخ و نقد موضوع : Sacred books — History and criticism
موضوع	:	ادیان ابراهیمی
موضوع	:	Abrahamic religions
شناسه افزوده	:	عبدی‌خان، عاطفه، ۱۳۶۰ - مترجم
شناسه افزوده	:	حبیب‌اللهی، مهدی، ۱۳۵۰ - مترجم
شناسه افزوده	:	Habibolah, Mahdi
شناسه افزوده	:	عدالت‌نژاد، سعید، ۱۳۴۱ -
رده بندی کتب	:	۷۱BL اس ۹ت ۱۳۹۶
رده بندی یوبی	:	۲۰۸/۲
شماره کتابشناسی ملی	:	۵۰۶۸۳۱۹

مشخصات کتابشناختی این اثر: Anton Wessels, *The Torah, The Gospel, and the Quran: Three Books, Two Cities, One Tale*. tr. By Henry Jansen, Cambridge UK, William B. Eerdmans Publishing Company, ۲۰۱۳



عنوان: تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان

ترجمه: عاطفه عبدی‌خان، مهدی حبیب‌اللهی

ناشر: حکمت و عرفان

نظارت بر ترجمه: سعید عدالت‌نژاد

ویراستار ادبی: سپیده معتمدی

ویراستار فنی و صفحه‌آرا: معصومه الیاس‌پور

خوانش نهایی: داریوش درویشی و ریحانه علیرحیمی

نوبت چاپ: اول؛ تابستان ۱۳۹۷

چاپ و صحافی دیجیتال: مولانا

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۳۵۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۲۳-۳۲-۷

آدرس ناشر: تهران، خیابان شهید مصطفی خمینی، کوچه شهید افشار، شهاب ۱، پلاک ۷

تلفن: ۰۹۱۲۱۴۳۳۶۶۷ و ۳۳۵۵۸۰۶۸

حق چاپ برای مترجمین محفوظ است.

فهرست مطالب

۱۳	 سخن انجمن علمی ترجمه و زبان‌های خارجی
۱۵	 سخن مؤلف با خوانندگان ایرانی
۱۹	 مقدمه
۱۹	 داستان دسپه، چارلز دیکنز
۲۰	 «داستان»ی تأثیرگذار دو شهر
۲۲	 کتاب مقدس و قرآن به زبان «داستان دو شهر»
۲۴	 یهودیان، مسیحیان یهودی، مسیحیان در شبه‌جزیره عربستان
۲۵	 خواندن تنخ، انجیل و قرآن به هم؟
۲۸	 آیا این کتاب‌ها برای شهرهای معاصر بی‌ارزند؟
۲۹	 طرح کلی
۳۱	 فصل اول: «داستان دو شهر» در تاریخ
۳۱	 برون
۳۲	 دیاجه
۳۴	 بابل
۳۹	 حقیقت و خیال درباره بابل
۴۰	 تبعید بابلی
۴۱	 بغداد و بابل
۴۲	 اورشلیم
۴۴	 هومر: اسپارت و تروا
۴۹	 «داستان دو شهر» هرودوت
۵۴	 نبرد ماراتن (۴۹۰ ق م)

۵۵	حمله ایران به شهرهای یونانی
۵۷	نبرد سالامیس (۴۸۰ ق م)
۶۰	آیسخولوس و سالامیس
۶۱	یونانیان و ایرانیان در زمان اسکندر کبیر
۶۶	جانشینان اسکندر یا دیادوخوی
۷۰	روم و کارتاژ
۷۱	روم و اسکندریه: نبرد اکتیوم (۳۱ ق م)
۷۳	نه/ید ویرژیل: تروا و رم
۷۵	ویرژیل و «داستان دو شهر»
۷۸	خوت و عقهبت (نمسیس)
۸۱	فصل دوم: آیا مه مد [ص] از انبیاست؟
۸۳	دیباچه
۸۶	موسی در وادی سینا
۸۸	نام خدا
۹۳	دعوت الیاس نبی
۱۰۰	دیگر تجربه‌های دعوت
۱۰۱	دعوت محمد [ص] به نبوت
۱۰۴	محمد [ص] و ابراهیم
۱۰۶	عیسی تورات را تکمیل می‌کند
۱۰۸	محمد [ص] و خاندان انبیا
۱۱۱	انجیل تورات را تصدیق می‌کند و قرآن تورات و انجیل را
۱۱۷	تردید یهودیان و مسیحیان در نبوت محمد [ص]
۱۱۹	آیا محمد [ص] یکی از انبیاست؟
۱۲۵	فصل سوم: انتخاب پیش روی انسان: خلیفه یا پادشاه؟
۱۲۶	دیباچه

- آفرینش انسان ۱۲۸
- انسان و زمین ۱۳۰
- نقش شیطان / ابلیس ۱۳۱
- وسوسه شیطان ۱۳۳
- خدا پادشاه است ۱۳۴
- پادشاهی‌های زمینی ۱۳۵
- جانشینان، یا خلیفه‌ها پس از طوفان ۱۳۶
- پادشاهان و پستش مؤلک ۱۳۹
- پادشاهی بشری ۱۴۱
- ابراهیم، موسی عیسی محمد و پادشاهان ۱۴۲
- ابراهیم در برابر نمرود ۱۴۳
- نمرود در روایات ۱۴۴
- موسی در برابر فرعون ۱۴۶
- عیسای صغیر در برابر هرود کبیر ۱۴۸
- عیسی در برابر پیلاتس و هرود آنتیپاس ۱۴۹
- محمد در برابر رهبران ظالم مکه ۱۵۱
- نخستین خلیفه‌ها ۱۵۲
- پادشاهان و تکبر ۱۵۴
- غرور و ثروت ۱۵۷
- تمثیل‌هایی از غرور و ثروت ۱۵۹
- گزینه‌ای برای هر فرد: خلیفه یا پادشاه؟ ۱۶۱
- ارمیای نبی و داستان خلیفه یا پادشاه ۱۶۲
- پادشاه یوشیای پدر ۱۶۳
- پادشاه یهوآکیم پسر ۱۶۵
- پیام ارمیا: خلیفه یا پادشاه؟ ۱۶۵

فصل چهارم: خروج از بابل به سوی اورشلیم، هجرت از مکه به مدینه ۱۷۱

خروج ۱۷۱

دیاچه ۱۷۲

خروج؛ هجرت ۱۷۳

بازگویی خروج ۱۷۵

خروج ابراهیم از سرزمین، یا شهر نمرود ۱۷۸

خروج موسی از سرزمین فرعون ۱۸۲

شب خروج/ اسراء ۱۸۴

خروج عیسی از مصر ۱۸۵

خروج عیسی از اورشلیم ۱۸۶

اسراء، دفن، آینهٔ وحد [ص] به اورشلیم ۱۹۲

هجرت به مدینه ۱۹۳

بدر و خروج ۱۹۴

وحی قرآن و پیروزی در بدر، ماه رمضان ۱۹۷

پیامبران و خروج ۱۹۸

آیا یهودیان و مسیحیان می‌توانند با هم خروج را جشن بگیرند؟ ۱۹۹

آیا مسلمانان می‌توانند خروج، آدینهٔ مقدس و عید یاسا را با مسیحیان جشن بگیرند؟ ۲۰۱

بالا بردن یا رفعت عیسی ۲۰۸

آیا یهودیان، مسیحیان و مسلمانان، همگی مهاجر نیستند؟ ۲۱۰

فصل پنجم: آرمان‌ها و حقیقت سرزمین، زمین و شهر موعود ۲۱۵

دیاچه ۲۱۵

یک «داستان دو شهر»: سدوم و عموره ۲۱۶

یوسف به مثابهٔ پادشاه ۲۱۹

یوسف در آینهٔ شهریاران ۲۲۲

آینهٔ شهریاران اراسموس برای شارل پنجم ۲۲۴

تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان ۷/

- ۲۲۵..... موسی و قارون
- ۲۲۸..... جاسوس‌های فرستاده‌شده به کنعان
- ۲۳۰..... موسی نمی‌تواند وارد این سرزمین شود
- ۲۳۱..... اسرائیل و داوود
- ۲۳۲..... تقاضا برای داشتن پادشاه
- ۲۳۴..... صندوق تورات، نشانه است
- ۲۳۷..... داوود و جالوت
- ۲۳۹..... «ارابه‌ها، اسب‌ها»، «طلا و نقره»
- ۲۴۲..... بردگی در سرزمین موعود
- ۲۴۴..... این شهر، کشور، سرزمین به چه کسانی وعده داده شده است؟
- ۲۴۶..... کدام سرزمین؟
- ۲۴۷..... ستم‌دیدگان رهبر یا امام می‌شوند
- ۲۴۸..... شرایط زندگی در این سرزمین یا بر روی زمین
- ۲۴۹..... مرزهای سرزمین: ابعاد و تعداد
- ۲۵۱..... درستکاران زمین را به ارث خواهند برد
- ۲۵۳..... فصل ششم: سلیمان و ملکه سبا/ بلقیس در اورشلیم
- ۲۵۳..... مقدمه
- ۲۵۶..... گزارش‌های مربوط به سلیمان
- ۲۶۰..... حکومت سبا
- ۲۶۲..... ملکه سبا/ بلقیس و سلیمان
- ۲۶۵..... معنای عرش
- ۲۶۹..... نتیجه ملاقات ملکه با سلیمان چه بود؟
- ۲۷۱..... پادشاهی حیوانات
- ۲۷۳..... سلیمان و اسب‌ها
- ۲۷۵..... قدرت، ثروت یا حکمت؟

۲۷۷	آمدن پادشاهی موعود
۲۸۱	فصل هفتم: خشونت در شهر
۲۸۱	مقدمه
۲۸۲	جنگ مقدس یا جهاد
۲۸۶	دشمنان خداوند و مردم؟
۲۸۷	قابیل: اولین کسی که شهر بنا کرد
۲۹۰	برادر در نقش دشمن
۲۹۲	مبارزه با فلسطینی‌ها
۲۹۴	عداوت «خصمانه‌ترین دشمن»
۲۹۶	شائوا و عمالیق
۳۰۱	هامان و عمالیق
۳۰۳	آیا پوریم جشن است؟
۳۰۶	قرائت‌های افراطی از کتاب مقدس و قرآن درباره عمالیق
۳۰۷	قصاص و دشمنی دیرینه
۳۱۳	بدی را با بدی تلافی نکن
۳۱۵	دشمنان: «به آنها غذا دهید»
۳۱۸	وارونه کردن انتقام
۳۱۹	[بدی را] به آنچه بهتر است دفع کن
۳۲۱	در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید
۳۲۴	گروه شهر اورشلیم
۳۲۹	فصل هشتم: دعای شفاعت برای شهر سدوم
۳۳۱	درآمد
۳۳۲	سدوم و عموره
۳۳۳	لوط ساکن شهر سدوم
۳۳۴	تقاضای ابراهیم برای شهر سدوم

- مهمانان لوط در شهر سدوم ۳۳۶
- فرار لوط و خانواده‌اش ۳۳۹
- چرا شهر سدوم نابود شد؟ ۳۴۱
- شهرهای ویران شده ۳۴۴
- سدوم و عموره در داستان پیامبران ۳۴۴
- سدوم و عموره و عیسی ۳۵۱
- سدوم و نقض مهمان نوازی ۳۵۳
- خرابه های شهر ارم ۳۵۴
- درس هایی از خرابه های شهرها ۳۵۷
- دعا برای شر و جهنم ۳۵۹
- فصل نهم: چه چیزی شهر را تهدید می کند؟ یاجوج و ماجوج ۳۶۳
- مامن و مولک ۳۶۳
- مقدمه ۳۶۳
- جنگ های معاصر و آرمگدون/ هرمدون ۳۶۶
- مکاشفه ها: کتاب دانیال ۳۷۰
- شاخ و قدرت ۳۷۳
- پیش بینی قیامت ۳۷۵
- جوج و ماجوج، یاجوج و ماجوج ۳۷۹
- خزقیال و مکاشفه یوحنا ۳۸۱
- داستان اسکندر ۳۸۵
- موسی و غریبه ای به نام خضر ۳۸۸
- افسانه اسکندر ۳۹۱
- مردی با دو شاخ ۳۹۷
- یاجوج و ماجوج در تفاسیر در طول تاریخ ۴۰۰
- استفاده یهودیان از یاجوج و ماجوج ۴۰۱

۴۰۱	استفاده مسیحیان از یاجوج و ماجوج
۴۰۳	یاجوج و ماجوج در انگلستان
۴۰۵	اسلامی و یاجوج و ماجوج
۴۰۷	یاجوج و ماجوج: مولک و مامن
۴۱۳	فصل دهم: پیروزی بر این شهرهایی که برشمرديم چگونه است؟
۴۱۳	مقدمه
۴۱۴	کنستانتین / قسطنطين کبير: «در پرتو این علامت، فتح کن!»
۴۱۷	کنستانتین و اورشلیم
۴۱۹	سقوط روم در ۴۱۰ م و داستان آوگوستین در باب شهر خدا و شهر انسان
۴۲۲	«داستان دو شهر» آوگوستین
۴۲۳	روم و کارها: «داستان دو شهر»
۴۲۶	بیزانس، روم و قسطنطنیه
۴۳۱	فتح اورشلیم به دست مسلمانان
۴۳۳	قسطنطنیه و اسلام
۴۳۸	فتح قسطنطنیه
۴۴۰	یک قرن پس از فتح قسطنطنیه
۴۴۱	پیروزی از آن کیست؟
۴۴۳	فصل یازدهم: پیروزی از آن کیست؟
۴۴۳	مقدمه
۴۴۴	صفیای نبی و «داستان دو شهر»: اورشلیم و بابل
۴۵۲	لعنت بر شهر ستمگران، طاغیان و بدنامان!
۴۵۴	ارمیا نبی و «داستان دو شهر»: اورشلیم و بابل
۴۶۳	محمد [ص] و «داستان دو شهر»: مدینه و مکه
۴۶۷	نصر، «یاری»
۴۶۸	فتح، «موفقیت»

تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان/ ۱۱

شهر اورشلیم، مکه و مدینه از آن چه کسی است؟ ۴۷۰

یک شهر خدا و انسان ۴۷۵

امستردام، رم، و... بیت لحم ۴۷۷

منابع ۴۸۱

نمایه ۵۱۵

www.ketab.ir

مقدمه

به این ترتیب، بنیان‌گذار شهر زمینی (پیدایش، ۴: ۱۷) یک برادرگش بود (قابیل)، او که مغلوب حسادت خویش شده بود، برادر خود (هابیل)، ساکن شهر ابدی و مقیم وقت، زمین را به قتل رساند. پس مایه تعجب نخواهد بود که بعدها، نمونه نخستین، یا آن‌گونه که یونانیان می‌گویند، کهن‌الگوی جنایت، در بنیاد این شهر جنایتی همانند بیابد؛ شهری که تقدیرش چنین بود که ملت‌های بسیار بر آن حکم برانند و مرکز این شهر، می‌شود که ما از آن سخن می‌گوییم. از این شهر یکی از شاعران (مارکوس اکانوس) نیز چنین یاد کرده است: «نخستین دیوارهایش با خون برادر لکه‌دار شد...»^۱

آوگوستین، شهر خدا، ۱۵، ۵.

داستان دو شهر، چارلز دیکنز

داستان دو شهر (۱۸۵۹م/ ۱۲۳۸ش)، اثر چارلز دیکنز، سنده معروف سده نوزدهم میلادی، بر انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه متمرکز است، انقلابی که تأثیر زیادی بر تاریخ نهاد. زمانی که دبیرستانی بودم، درس تاریخ معاصر با انقلاب فرانسه شروع می‌شد. دیکنز درباره پاریس و لندن نوشته بود و کتابش با این کلمات آغاز می‌شد: «آن زمان، بهترین زمان‌ها بود و بدترین زمان‌ها؛ عصر عقلانیت بود و حماقت؛ دوران اعتقاد و بی‌اعتقادی؛ فصل نور بود و تاریکی...»^۱، الگویی از تضادها که در نهایت به انقلاب فرانسه منجر شد. دیکنز در آثارش، از جمله این کتاب، می‌کوشید زمانه‌اش را دریابد، شرح دهد و از آن بینشی به دست دهد. او معتقد بود که انقلاب، هیولا و کابوس است. اما در برابر چنین انقلابی چه واکنشی باید نشان داد؟ حتی با اعدام تعداد بیشتری از مردم یا تحمیل زندان‌های طولانی مدت بر

^۱ A Tale of Two Cities, ed. George Woodcock (harmondsworth: Penguin, 1970; repr. 1985) 35.

آنها، نمی‌توان با این هیولا جنگید. تنها دفاع ممکن، زمینه‌سازهای انقلاب بود. دیکنز تلاش کرد تا فقر اجتماعی فاحش زمانه خود را دریابد؛ او به نقد سوءاستفاده‌های اجتماعی پرداخت که با حاکمیت حریصان آن روزگار، مدام بدتر و بدتر می‌شد. دیکنز آنچه شاعر بزرگ ویستن هیو اودن^۲ سروده بود، دریافت:

«آنان که بدی بینند / در مقابل به دیگران بدی کنند»^۳

اودن در این دو مصرع، معاهده ورسای^۴ را محکوم می‌کند؛ معاهده‌ای که در پایان «جنگ بزرگ» (جنگ جهانی اول، ۱۹۱۴-۱۹۱۸ م/ ۱۲۹۳-۱۲۹۵ ش، قبلاً به این نام خوانده می‌شد) مجازات‌های خردکننده‌ای را بر دشمن شکست‌خورده تحمیل کرد؛ صلحی که خود، بعدها آغازگر جنگ جهانی دوم شد.^۵

امروزه در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که عموماً زمانه گذار، یا به تعبیری، زمانه تغییر به شمار می‌رود. غالباً چنین گفته می‌شود که دنیا پس از ۱۱ سپتامبر تغییر کرد؛ اصطلاحی که برای تغییر به کار می‌رود، انقلاب نیست، بلکه تروریسم است. بعد از ۱۱ سپتامبر، جنگ ضد تروریسم جریان داشته است. منشأ این تروریسم چیست؟ شاید در زمانه انقلاب، زمانه ترور و وحشت، باید به آنچه اودن گفت، عمیقاً بیندیشیم؛ «آنان که بدی بینند / در مقابل به دیگران بدی کنند». در غرب قطعاً بسیاری ادعا می‌کنند که «ما» بدرفتاری شده است. افزون بر ۱۱ سپتامبر، حملاتی در مادرید و لندن، و همچنین قتل تئو ون گوگ^۶ به دست محمد بویری^۷ در آمستردام هولناک است، اما آیا نباید غرب را بخود بیرسد که بدی «ما» چه بوده است؟

«داستان‌های تأثیرگذار دو شهر»

در طول تاریخ، مردم دنیا را به دو دسته تقسیم کردند. به‌ویژه در سده بیستم که به نزاع شرق و غرب مشهور بود و تا چند دهه، یعنی از پایان جنگ جهانی دوم

^۲ W. H. Auden

^۳ "September 1, 1939", Selected Poems, ed. Edward Mendelson (New York: Vintage, 1979) II. 21-22.

^۴ Versailles (شهری نزدیک پاریس)

^۵ Woodcock, "Introduction", *A Tale of Two Cities*, 20-21.

^۶ Theo Van Gogh

^۷ Mohammed Bouyeri

تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان/ ۲۱

در ۱۹۴۵م/۱۳۲۴ش تا فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش، ادامه داشت. از یک سو دنیای سرمایه‌داری به رهبری ایالات متحده در واشنگتن، و از سوی دیگر، دنیای کمونیستی، به رهبری اتحاد جماهیر شوروی در مسکو. از زمان سقوط دیوار برلین در ۱۹۸۹م/۱۳۶۸ش، در غرب به اسلام به چشم دشمن شماره یک نگاه شده است - اسلام در برابر غرب - و نظریه «برخورد تمدن‌ها» (برنارد لوئیس^۸ و ساموئل هانتینگتون^۹) به سرعت ضد اسلام رواج یافت. این نزاع میان اسلام و دنیای غرب که به نظر می‌رسید از سده‌های قبل وجود داشته است، با حمله به دو شهر نیویورک و واشنگتن، برای شمار زیادی، واقعی و قطعی شمرده شد. اسامه بن لادن، پدر معنوی این حملات به شمار رفت. نخست جورج بوش^{۱۰}، رئیس‌جمهور آمریکا، بلندخود را که پس از حملات ۱۱ سپتامبر آغاز کرد، «جنگ با ترور» و «جنگ صلح» نامید. به این ترتیب، آنچه اسامه بن لادن هدف خود می‌شمرد، تصدیق و تقویت کرد. بن لادن به دنبال جنگی مقدس، یا به عبارتی «جهاد» با غرب یا «دولت صلیبیون» بود. جنگ بوش با «محورهای شرارت» (عراق، ایران و کره شمالی)، در سه ترانه سالانه خود در کنگره آمریکا، در ژانویه ۲۰۰۲/۱۳۸۱ش، پژواک آگاهانه نزاع با اتحاد جماهیر شوروی، یا به گفته رونالد ریگان «امپراطوری شر» بود؛ اصطلاحی که ریگان، رئیس‌جمهور آمریکا، در ۱۹۸۳م/۱۳۶۲ش درباره شوروی به کار برد. خبری که از فیلم «جنگ ستارگان» در سال ۱۹۷۷م/۱۳۵۶ش برگرفته شده بود.

این است روایت یا داستان تأثیرگذار خیر در برابر شر، دموکراسی در برابر نظام استبدادی. بن لادن از «اتحاد صهیونیستی - صلیبی» سخن گفت که در مقابل آن «جبهه جهانی اسلام در برابر یهودیان و صلیبیون» را گشوده است. این است داستان تأثیرگذار جهاد پیروزمندانه به معنای جنگ مقدس، داستان خارق‌العاده «عملیات انتحاری یا استشهادی»، مانند آنچه در ۱۱ سپتامبر روی داد. مسلمانانی که مانند اسامه فکر می‌کنند، تمام چهارده قرن تاریخ اسلام را با این دسته‌بندی‌ها توضیح می‌دهند. گسترش اولیه اسلام را نیز نبرد با صهیونیست‌ها و صلیبیون

^۸. Bernard Lewis

^۹. Samuel P. Huntington

^{۱۰}. George W. Bush

تلقی می‌کنند؛ همان‌طور که مثلاً، زمانی امیری بربر از شمال افریقا، امیر اسپانیا را در سده یازدهم میلادی شکست می‌دهد؛ زمانی صلاح‌الدین ایوبی گردد، صلیبیون را در سده دوازدهم از بیت‌المقدس بیرون می‌راند؛ یا محمد فاتح، سلطان عثمانی، در سده پانزدهم میلادی قسطنطنیه را تسخیر می‌کند. نتیجه این تفسیرها آن است که همین تمدن عظیم اسلامی که بیزانس را از میان برد تا نام خدا را تعالی بخشد، از یازده سپتامبر، دوباره در مسیر خود به دنبال فتح دنیا است. درحالی‌که نومحافظه‌کاران امریکایی داستان تأثیرگذار جنگ با ترور را تبلیغ می‌کنند، در آن طرف گروهی از مسلمانان، داستان تأثیرگذار جهاد از طریق شهادت را مطرح می‌کنند. به انفجارهای انتحاری در مادرید و بریتانیا، قتل تئو ون گوگ در آمستردام و ... و ... به کاریکاتورهای دانمارکی، از این دریچه و با این تعبیر نگاه می‌شود.

کتاب مقدس و قرآن به نوان «داستان دو شهر»

ادیان در دنیای ما دیدگاه‌های ماصر تلقی شده‌اند: یهودیت (مرتبط با دولت اسرائیل)، اسلام و غرب مسیحی. بنابراین، پرسش مهم این است که آیا می‌توان ریشه این دشمنی سیاسی را در تن‌های جستجو کرد که یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به آن تمسک می‌کنند؟ تنخ، رازۀ انتصاری برای تورات، کتب انبیا و کتابان شامل مزامیر^{۱۲} یا عهد قدیم و عهد جدید، و کتابی که مسیحیان آن را کتاب مقدس می‌خوانند و قرآن.

در این کتاب تلاش می‌کنم به این پرسش پاسخ دهم. این کار را با بحث و شرح این سه متن در ارتباط با هم، انجام خواهم داد. نقد آغازین کارم مبتنی بر این نظر است که این سه متن — تنخ، کتاب مقدس و قرآن — را می‌توان به‌مثابه «داستان دو شهر»، اورشلیم و بابل، مکه و مدینه، فهمید.

^{۱۱}. Gilles Kepel, *Beyond Terror and Martyrdom: The Future of the Middle East*, trans. Pascale Ghazale (Cambridge, M. A: Belknap, Harvard University Press, 2008) 4, 8, 97- 98, 120, 133, 136, 177, 255.

^{۱۲}. Tanakh

^{۱۳}. Sir Prologue; 39: 1. Law, wisdom, prophecies-

تشریعت، عقلانیت، نبوات (پیش‌گویی‌ها)، تقسیم‌بندی کهن کتاب مقدس عبری شده است.

تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان/ ۲۳

یک شهر، اورشلیم، نماد عدالت و صلح است و دیگری، بابل، نماد بی‌عدالتی و ظلم. دورنمای آینده آن، شهری جدید است؛ اورشلیمی جدید (مکاشفه، ۲۱-۲۲). این دورنما بر شهری تمرکز دارد که بنیان‌هایش را خود خدا طراحی کرده و بنا نموده است (رساله به عبرانیان، ۱۱: ۱۰). این بیان به بقا و نجاتی اشاره دارد که در آخرالزمان حاصل می‌شود. به انبوهی از شاهدان گفته شده تا در مسیر این شهر قرار گیرند، شهری که خدا برای آنان بنا کرده (رساله به عبرانیان، ۱۱: ۱۶)، کوه صهیون، شهر خدای حی، اورشلیم آسمانی (رساله به عبرانیان، ۱۲: ۲۲).

در قرآن، نام اورشلیم اشاره شده و نه به نام‌های دیگرش چون «بیت‌المقدس» صرفاً «قدس» که بعدها برای این شهر به کار رفت. اما اشاراتی به این شهر و معبد آن‌ها به چشم می‌خورد، زمانی که خداوند به دو بار نابودی شهر اشاره می‌کند (اسراء ۲-۱۴).

همچنین قرآن را می‌توان «استار» دو شهر، یعنی مکه و مدینه قلمداد کرد. مکه در دره‌ای سنگلاخی که چیزی در آن رشد نمی‌کند، واقع شده و خانه مقدس، کعبه، در آن جای دارد (ابراهیم، ۱۴، ۳۷). مکه که به معنای «حرم» است، سال‌ها پیش از تولد محمد [ص] مرکزی دینی بوده و درعین حال مرکزی برای خرید و فروش کالاهایی که کاروان‌ها می‌آوردند. دهه نوب به شمال ادویه از این شهر می‌گذشت؛ ایستگاهی بین‌راهی میان مآرب در غرب شبه‌جزیره و غزه.

شهر مدینه یا یثرب، در حدود ۴۰۰ کیلومتری شمال شرقی مکه، محل آبادی است. علاوه بر این واقعیت که این شهر در مسیر جاده ادویه بین یمن و سوئد قرار دارد، مکانی مناسب برای کشاورزی به‌ویژه درخت نخل به شمار می‌رود. به دلیل حضور قبایل یهودی بنی‌قینقاع، بنی‌نضیر و بنی‌قریظه، این شهر مرکز مهمی برای کشاورزی شد. با توجه به نام‌های این قبایل، به احتمال بسیار این یهودیان از نژاد عرب یا آرامی بودند، هرچند هسته اولیه‌شان را یهودیانی تشکیل می‌دادند که پس از فتح فلسطین به‌دست رومیان به شبه‌جزیره عربستان پناه برده بودند. احتمالاً

¹⁴ Frank E. Peters, *Islam: A Guide for Jews and Christians* (Princeton: Princeton University Press, 2003).

همین یهودیان بودند که نام مدینه را که به معنای شهر است، به مکانی دادند که بعدها شهر محمد [ص] (مدینه النبی) نامیده شد.^{۱۵}

سال ۶۱۰ میلادی، محمد [ص] در مکه، که در حدود ۵۷۰ م در آنجا متولد شده بود، فعالیت خود را به عنوان پیامبر آغاز کرد. در دوره اولیه این فعالیت (۶۱۰-۶۲۲م)، مکه، شهر بی عدالتی، سرکوب و شکنجه بود. در مقابل، در مدینه عدالت برقرار بود و لقب «مدینه منوره»، «شهر نورانی شده» یا «شهر نور» به آن داده شد. ژانری از شعر عرب، به شوق و اشتیاق به مدینه اختصاص یافته است.^{۱۶}

یهودان، مسیحیان یهودی و مسیحیان در شبه جزیره عربستان

یهودان و مسیحیان در شبه جزیره عربستان غریبه نیستند. یهودیان درست بعد از تخریب اول معبد (۵۸۶ ق م) و دوباره، پس از تخریب دوم اورشلیم در سال ۷۰ میلادی و دوره پس از شکست قیام بار کوخبا^{۱۷}، به این منطقه پناه آوردند. گاهی بار کوخبا را مطهرت این آیه «ستاره‌ای از نسل یعقوب خواهد آمد» (سفر اعداد، ۲۴: ۱۷) مسیحا یا منجی پسر ستاره خوانده‌اند. افزون بر جنوب، یهودیان در تمام واحه‌های شمال و در خرد شهر مدینه نیز حضور داشتند. عرب‌هایی نیز بودند که به یهودیت گراییدند.^{۱۸}

موج دوم پناهندگان یهودی به شبه جزیره، مسیحیان یهودی بودند. این موج بخشی از وابستگان به کلیسای مسیحی بودند که کمابیش از نظارت کلیسای غرب، که تقریباً به طور گسترده‌ای مسیحیان غیر یهودی را در بر می گرفت، گریخته بودند. اما مسیحیان یهودی از سده‌های نخستین مسیحیت تا زمان محمد [ص]،

^{۱۵} Philip K. Hitti, *History of the Arabs* (8th ed.; New York: St. Martin's, 1964) 102-4.

^{۱۶} *Encyclopaedia of the Qur'an* (hereafter EQ), ed. Jane Dammen McAuliffe (Leiden: Brill, 2001-6), s. v. "Medina, tashawwuq ilâ l-Madîna".

^{۱۷} Bar Kokhba

^{۱۸} *Encyclopaedia of Islam* (hereafter EI), new ed. (Leiden: Brill, 1960-2005), s. v. "al-Madîna": D. S. Attema, *Het oudste Christendom in Zuid-Arabië* (Amsterdam: Noord-Hollandsche, 1949).

همچنان در خاورمیانه تأثیرگذار بودند. مسیحیان بازمانده در شبه‌جزیره، در اصل مسیحیان شرقی ارتدوکس‌های سوری و نسطوریان یا مسیحیان آشوری‌اند.^{۱۹}

پیشینه مستقیم مسیحیت حاضر در عربستان به جماعت سوری‌زبان حاشیه شبه‌جزیره برمی‌گردد.^{۲۰} جوامع مختلف در شبه‌جزیره، سرودهای مذهبی افرام سوری^{۲۱}، بزرگ‌ترین نویسنده و شاعر مسیحیان ارتدوکس سوری، را می‌خواندند.^{۲۲} در آنجا کلیسای ملکایی منسوب به «ملکوس»، قدرت پادشاهی بیزانس هم بود. حتی در زمان حضرت محمد [ص] قبرستانی برای مسیحیان در مکه وجود داشت. بنابر گزارش‌های مورخان متقدم درباره مکان‌های مقدس مسلمانان، در میان تصاویر درون کعبه، شمایی از مریم و فرزندش عیسی یافت شده بود. پس از فتح مکه در سال ۶۳۰، زمانی که محمد [ص] کعبه را از بت‌ها پیراست، ایشان به‌صراحت، مانع جابه‌جایی این شمایل شد.

نکته مهم و درخور توجه آن است که او پیام خود را در محیطی آشکار ساخت که با داستان‌های کتاب مقدس آشنا بود. زمانی که محمد [ص] رسالت پیامبری خود را آغاز کرد، وارد بحثی شد که در میان یهودیان، مسیحیان یهودی و مسیحیان جریان داشت؛ بحث بر سر فهم و تئوژنیک اجرای گفته‌ای از تورات بود که عدالت‌ورزیدن و عشق به همسایه واقعاً به چه معناست.

خواندن تنخ، انجیل و قرآن با هم؟

بررسی هم‌زمان کتاب مقدس و قرآن شاید تعجب‌برانگیز باشد. یهودیان به بخش تورات کتاب مقدس عبری متعهد می‌مانند، مسیحیان به عهد قدیم و حدید و مسلمانان به قرآن. مسیحیان گاهی عهد قدیم را رد کرده‌اند. مرقیون/^{۲۳} مارسیون بنیان‌گذار کلیسایی که بعدها به نام او خوانده شد، معتقد بود خدای

^{۱۹}. Tilman Nagel, *Der Koran und sein religiöses und kulturelles Umfeld* (Munich: Oldebourg, 2010); Anton Wessels, *Arab and Christian? Christians in the Middle East* (Kampen: Pharos, 1995).

^{۲۰}. EQ, s. v. "Christian and Christianity".

^{۲۱}. Ephraim the Syrian (306- 373)

^{۲۲}. Nagel, *Der Karan*, 195.

^{۲۳}. Marcion (60- 110)

عهد قدیم، همان خدای عیسی مسیح نیست. از این رو، ارزشی برای عهد قدیم قائل نبود و مدعی بود هرگونه ارجاع به آن را باید از عهد جدید حذف کرد. البته کلیسا او را طرد نمود. مسلمانان نیز ارتباط بین عهد قدیم و جدید را به گونه‌ای نسبتاً متفاوت می‌نگرند، چرا که قرآن، یهودیان و مسیحیان را «اهل کتاب»، یعنی تورات و انجیل، قلمداد می‌کند (مائده: ۴۷؛ بقره: ۱۰۵). مراد از اصطلاح «کتاب» کلام الهی است که از بر خوانده یا عرضه می‌شود و نه صرفاً مکتوبی که خوانده شود. معنای تحت‌اللفظی قرآن چیزی است که از بر خوانده شود. هرچند مسیحیان به عهد قدیم اعتقاد دارند و آن را در کتاب مقدسشان آورده‌اند، برخورد مسیحیان و یهودیان با قرآن معمولاً متفاوت بوده است. آنها غالباً منکر نبوت محمد [ص] و کلام الهی بودن قرآن بوده‌اند و هستند. فهم این مسئله برای مسلمانان دشوار است، زیرا آن درک نمی‌کنند که چرا یهودیان و مسیحیان احترامی را که مسلمانان برای عیسی و عیسی قائل‌اند، برای محمد [ص] قائل نیستند.

خوب است یادآور شویم که نه موسی یهودی بود، نه عیسی مسیحی و نه محمد [ص] مسلمان. هیچ‌یک از این سه سنت و جماعت یهودی، مسیحی و مسلمان با موسی، عیسی و محمد [ص] پدید نیامدند. هیچ‌کدام از این سه شخصیت که این‌گونه محور ادیان به ترتیب یهودیت، مسیحیت و اسلام شدند، فقط مالک سنت خویش نبودند؛ اگرچه هریک از آنان انحصاراً شخصیت محوری در سنت خودند و اگرچه هریک از این سنت‌ها مدعی حق انحصاری تبیین کامل متن خودند. عالم یهودی دیوید هارتمان یک بار در بیت‌المقدس «مراجعات اعلام کرد: «ما یهودیان تنها گروهی نیستیم که در شهر باید دیده شویم».

نگرش من در این اثر از موسی بن میمون، فیلسوف بررک یهودی الهام گرفته است. ابن‌میمون در سال ۱۱۳۵م، در قرطبه اسپانیای مورن‌ها (یهودیان به‌ظاهر مسیحی‌شده) یا همان اندلس متولد شد و در سال ۱۲۰۴م در قاهره از دنیا رفت. قبر او در طبریه است. او پزشک دربار صلاح‌الدین ایوبی بود. صلاح‌الدین صلیبی‌ها را در ۱۱۸۷م/۵۶۶ ش در حطین، نزدیک طبریه شکست داد و اورشلیم را فتح کرد. به این ترتیب، ابن‌میمون در دنیایی می‌زیست که مسلمانان بر آن حاکم بودند و به دنبال یافتن معنای سنت‌های دیگر، یعنی مسیحیت و اسلام بود که از همان

تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر و یک داستان/ ۲۷

منبع دین یهودی خود او سرچشمه گرفته بود. او در کتاب خود *دلالت الحائرین* که در اصل به عربی و با خط عبری نوشته شده، آورده است: «در کل، مسلمانان بت پرست نیستند و به شیوه‌ای شایسته به وحدانیت تآم و تمام الهی شهادت می‌دهند».^{۲۴} او در جای دیگر می‌نویسد:

پی‌بردن به تدبیرهای خالق، فراتر از درک بشری است؛ چرا که هم شیوه‌ها و هم افکار ما با او متفاوت است (اشعیا، ۵۵: ۸). تمام این مضامین مربوط به عیسای ناصری است و مربوط به اسماعیلی (محمد) که پس از او آمد، تا مسیر پادشاه منجی یا مسیحا را هموار کند. تمام عالم را برای پرستش یکپارچه خداوند آماده سازد؛ آن‌گونه که آمده است: زیرا که در آن زمان، من با یک زبان پاک به سوی مرد باز خاتم گشت تا جمیع ایشان اسم پروردگار (یهوه) را بخوانند و بس که دل او را عبادت نمایند (صفنای نبی، ۳: ۹).^{۲۵}

یهودیان و مسیحیان شاید به سختی بتوانند به این پرسش پاسخ دهند که: «آیا محمد [ص] نیز در شمار انبیاء است؟» حور بن تورات، انجیل و قرآن با هم و تلاش برای فهم آنها و ارتباطشان با یکدیگر. خدا ممکن، برای یهودیان، مسیحیان و مسلمانان اهمیت بسیاری دارد. فهم سه متن در تعامل با هم بیش از هر وقت دیگر رایج و مهم است، با فرض اینکه قبلاً — و تاکنون — هریک از این متون مقدس را غالباً به گونه‌ای خوانده‌اند، فهمیده‌اند و تفسیر کرده‌اند که گویا هریک ضد دیگری است. این سه کتاب به پاسخ‌های یکدیگر نیازمندند. آنها را باید با هم دید و همواره آنها را به گفتگو کشاند و آنها را با یکدیگر وارد بحث کرد. پیام مشترک این سه کتاب، تمام کسانی را مخاطب قرار می‌دهد که به آن گوش می‌سپارند، همه کسانی که می‌دانند «مورد خطاب» بوده‌اند: آنانی که خدا از طریق نبوت انبیا، ایشان را مخاطب ساخته است. از نظر تاریخی، این پیام مربوط به سه جمعیت جداگانه است. جماعت یهودی، «کاهال»^{۲۶}، به معنای

²⁴. Quoted by Geoffrey Wigoder, *Joodse cultuur: oorsprong en bloei* (Baarn: Ambo, 1994) 71.

²⁵. Quoted by Harold Kasimow and Byron L. Sherwin, eds., *No Religion Is an Island: Abraham Joshua Heschel and Interreligious Dialogue* (Maryknoll: Orbis, 1991) 20-21.

²⁶. Qahal/קהל

«خوانده‌شده» است. جماعت مسیحی، «کلیسیا»^{۲۷} است که این واژه ترجمه یونانی کلمه عبری کاهال در ترجمه هفتادی و عهد جدید است. جماعت مسلمان نیز «امت» خوانده می‌شود. این واژه در قرآن به جماعتی اشاره دارد که در بندگی عام خدا مشترک‌اند: ابراهیم به‌تنهایی یک امت بود (نحل: ۱۲۰)؛ الگویی برای مؤمنان راستین. (قس. آل عمران: ۶۷؛ بقره: ۱۲۸، ۱۳۴، ۱۴۱).^{۲۸} هر امتی را پیامبری است (یونس: ۴۷)؛ جماعتی از انسان‌ها که خدا «پروردگار» آنهاست (مؤمنون: ۵۲)؛ و امت پیامبران امتی یگانه است (انبیاء: ۹۲)؛ دینشان را میان خود پاره‌پاره کردند (از یاء: ۹۳). مردم از یک امت‌اند، اما نگرش‌های متفاوت دارند (یونس: ۱۹)؛ باید از میان شما گروهی باشند که به خیر فراخوانند و امر به معروف و نهی از منکر کنند. اینان، ما را، رستگاران‌اند (آل عمران: ۱۰۴).^{۲۹}

آیا این کتاب‌ها برای شهرهای معاصر پیامی دارند؟

همان‌طور که از «داستان» دو شهر دیکتز به‌عنوان کلیدی برای فهم انقلاب فرانسه و پیامدهای آن می‌توان بهره برد، من نیز در این کتاب به دنبال پاسخ به این پرسش‌ام که کتاب مقدس رقیب در جایگاه «داستان دو شهر»، چه چیز برای ارائه به ما درباره «شهرهای معاصرمان» دارند؟ آیا این داستان‌های نبوی، همچنان برای عصر حاضر معنا دارند؟ یا اینکه شهرهای روزگار ما از کتاب مقدس و قرآن چیزی نمی‌آموزند؟ این مطلبی است که بسیاری حداقل به آن می‌اندیشند: آیا ادیان و کتاب‌های مقدسشان — نه فقط قرآن — پس از آنکه سبب خشونت و ترور باشند، راه‌حلی برای آنها نیستند؟

عنوان کتابم *تورات، انجیل و قرآن: سه کتاب، دو شهر، یک داستان*، حامل پیامی است. من در این کتاب می‌خواهم نشان دهم تاجه‌اندازه این سه کتاب در نهایت به یک قصه ختم می‌شوند و این چه ریسمانی است که آنها را به یکدیگر به‌صورت پیامی انتقادی و خیرخواهانه، نه پیامی انتقادی — اجتماعی، پیوند

^{۲۷} ecclesia/ ἐκκλησία

^{۲۸} Rudi Paret, *Der Koran: Kommentar und Konkordanz* (Stuttgart: Kohlhammer, 1971) on Q 16: 120.

^{۲۹} *Encyclopaedia of Islam* (EI), s. v. umma.

می‌دهد. هدف من این است که نشان دهم این داستان چه ارتباطی به یهودیان، مسیحیان و مسلمانان در کنار هم و بنابراین، با همهٔ مردم دنیای امروز دارد.

طرح کلی

ساختار کتاب به این ترتیب است. کتاب با «داستان دو شهر» در تاریخ و چگونگی بیان مورخان، نویسندگان و شاعران از اختلاف‌ها و نزاع‌های میان این «دو قلمرو» آغاز می‌شود (فصل ۱). سپس به چگونگی فهم دعوت محمد [ص] در ارتباط با دعوت سایر انبیای کتاب مقدس نگاهی می‌اندازیم. این نگاه، ارتباط میان این سه کتاب را دقیق‌تر شرح و بسط می‌دهد (فصل ۲). واضح است که بشر از زمان آفرینش با یک انتخاب روبرو بوده است: خلیفه و نمایندهٔ خدا بر زمین بودن یا مرتکب بی‌عدالتی‌شدن و ظالم‌بودن (فصل ۳). ابراهیم، موسی، عیسی و محمد مردم را به خروج، مهاجرت و بریدن از شهر بی‌عدالتی و رفتن به سرزمین موعود، «شهر جدید»، فراخواندند، چراکه در آنجا عدالت و راستی برپا خواهد شد (فصل ۴). اما اگر مردم به رهبری پیام‌اراز هدایت شوند، سفر در بیابان را به پایان رسانند و در سرزمین موعود و شهر وعده‌داده شده زندگی کنند، چه چیز از این آرمان حاصل می‌شود؟ آیا عدالت و راستی حقیقتاً اجرا می‌شود؟ (فصل ۵) ویژگی پادشاهی خوب یا بد، براساس داستان مهمانان ملوک، به‌ویژه داستان بلقیس، ملکهٔ سبأ، در اورشلیم چیست؟ (فصل ۶) این سه کتاب چگونه به پرسش‌هایی نظیر خشونت، مجازات، جنگ مقدس، و جهاد پاسخ می‌دهند؟ (فصل ۷) چرا شهرهای ظالمی چون سدوم و عموره نابود شدند؟ آیا این نازدی به دلیل همجنس‌گرایی بود یا دلیل دیگری داشت و ابراهیم برای این شهرها دعا کرد؟ (فصل ۸) در روزهای پایانی این داستان‌ها، اهمیت نهایی این مسئله رخ می‌نماید: چه چیز در نهایت این شهر را تهدید می‌کند؟ شخصیت‌هایی چون یاجوج و ماجوج و «ذوالقرنین»، اسکندر کبیر، که تبدیل به افسانه و نماد شدند، مورد بحث قرار می‌گیرند (فصل ۹). در طول تاریخ، مسیحیان و مسلمانان چگونه داستان‌های دو شهر خود را شرح و بسط داده‌اند؟ در پایان، این «داستان دو شهر» را چگونه باید براساس این سه کتاب، با هم، فهمید؟ و سرانجام، پیروزی از آن کیست؟ (فصل